

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

همایون "باختریانی"

۲۸ اکتوبر ۲۰۱۶

تصحیح، تنظیم و شرح لغات: خ. معروفی

دیوان

"عبدالله شهاب ترشیزی هروی"

۱۹۰

مُقَطَّعات

۹۱

شکایت از خانه مسکونی خود^۱

شهریار! بلبل داستانسرای مدحتت
آن چنان ویرانه ای، کز بیم بام و سقف آن
از شگاف اندر شگاف سقف آن، گوئی که هست
من شوم چون مرغ، لرزان و تپان و مضطرب^۲
بس که نمناک است و ویران، شب برون آرند سر
جمله اطرافش^۳ دهان بگشاده، گوید بر زبان
بر مثال جغد، ساکن گشته در ویرانه ای
کس نیاساید دران، جز دیو، یا دیوانه ای
بهر فرق ساکنان، دست اجل را شانه ای
ابر هر وقتی، که بر بامش فشاند دانه ای
صد هزاران عقرب کاشان، ز هر کاشانه ای
نیست با ما آشنا، الا ز جان بیگانه ای

^۱ عنوان این قطعه از متن آن استخراج گردید، چون اصل عنوان در دیوان چنین است:

در ذکر خانه ای که در آن زندگی می کند

^۲ اصل مصراع در دیوان حاضر این طور آمده است:

من شوم چون مرغ لرزان و تپان

که صریحاً کمبود هجا دارد. آنچه در بالا آورده شده، شاید بر وفق گفته شاعر نباشد، اما در هر صورت ارتباط منطقی بیت را برقرار ساخته می تواند. (مصحح)

لطف شه زندانیی چند آرد، از زندان برون گر عطا فرماید این بی‌خانمان را، خانه ای

* * *

^۳ الف. اصواقش
در اصل دیوان "اطرافش" آمده است، که به "اطرافش" تعدیل گردید. (مصحح)